

شرکت نماینده حزب توده ایران در میزگرد مناظر صلح

روز ۱۰ اسفندماه (۲۸ فوریه) از سوی حزب کمونیست اتریش جلسه پرسش و پاسخی در رابطه با مسائل حاد خاورمیانه، از جمله برنامه اتمی ایران، وضعیت عراق، افغانستان، تشنجات پیش آمده در پی انتشار کاریکاتورها در دانمارک و همچنین اختلافات موجود میان فلسطین و اسرائیل بویژه پس از پیروزی گروه حماس در انتخابات اخیر برگزار گردید که در این برنامه از جمله نمایندگانی از سوی حزب کمونیست عراق، جنبش صلح اتریش، انجمن مسلمانان اتریشی و حزب ما شرکت داشتند. این جلسه که توسط رفیق والتر بایر، صدر هیئت رئیسه حزب کمونیست اتریش اداره می شد با استقبال خوبی روبرو شد، به گونه ای که برخی از حاضرین این جلسه مجبور بودند بعلت کمبود جا بایستند.

از دیگر مسائل مهم مورد بحث در این جلسه همچنین مناظره پیرامون تئوری برخورد تمدنها متعلق به ساموئل هانتینگتون نظریه پرداز آمریکایی بود. در ابتدای برنامه رفیق بایر به معرفی مختصری از احزاب و سازمانهای شرکت کننده در این برنامه پرداخت و پس از آن سخنرانان مطالب خود را ارائه کردند. نماینده حزب کمونیست، و حزب کمونیست کردستان عراق در سخنانی از جمله گفت: آنچه مشکلات و مسائل در عراق زیاد است، که برآستی حتی نام بردن از همه آنان دشوار است. وی از عدم همبستگی کافی بین المللی با مردم عراق چه در زمان دیکتاتوری صدام حسین، و چه در زمان حاضر نام برد. او از جمله گفت، کسانی که تا دیروز دائما

ادامه در صفحه ۳



شماره ۷۳۴، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۵ اسفند ماه ۱۳۸۴

پیام نوروژی کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن نوروژ، عید پیروزی نو بر کهنه، جشن دیرینه و خجسته نیاکان ما و آغاز سال ۱۳۸۵ را به همه هم میهنان عزیز تبریک می گوید و امیدوار است که سال آینده با همه دشواری ها و خطراتی که پیش روی میهن ما قرار دارد، سال پیروزی مردم، سال دوام صلح در مقابل ندهای شوم تشنج و ماجراجویی ارتجاع و امپریالیسم و سال چیره شدن بر فشارهای استبداد برضد جنبش مردمی باشد.

میزان تورم و حداقل دستمزدها

میزان و چگونگی تعیین حداقل دستمزدها برای سال ۸۵ خورشیدی معیار و ملاک دقیقی است برای سنجش مدعیات دولت احمدی نژاد در زمینه عدالت و تامین معیشت توده های محروم، کارگران و زحمتکشان به حق می پرسند، با توجه به تورم لگام گسیخته و افزایش سرسام آور قیمت ها با حقوق ماهیانه ۱۵۰ هزار تومان چگونه می توان زندگی کرد؟!

ابراهیم نظری جلالی معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی طی یک گفتگوی مطبوعاتی رسماً اعلام داشت، حداقل دستمزد برای سال آینده ۱۵۰ هزار تومان تعیین شده است. این مقام مسئول وزارت کار به خبرنگاران تصریح کرد: «حداقل دستمزد روزانه کارگران مشمول قانون کار، از ۴ هزار و ۸۶ تومان و ۴ ریال، به ۵ هزار تومان در روز افزایش یافت که نسبت به میزان سال جاری آن ۳ درصد افزایش داشته است.» وی سپس افزود: «میزان حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۵ دست کم ۹ درصد بیشتر از نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی

ادامه در صفحه ۲

گذاری کشور، راه گشای گام بعدی برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری و حرکت به سمت تثبیت رژیم استبدادی گردید. ادامه فشار و تعرض به شمار زیادی از فعالان جنبش دانشجویی، نویسندگان و روزنامه نگاران کشور، بستن روزنامه ها و یورش به مراکز خبری اینترنتی و دستگیری کارمندان و نویسندگان این مراکز در مجموع «انتخاباتی» را به میهن ما تحمیل کرد که در شرایط کاملاً غیر عادی و ضد دموکراتیک برگزار شد. سال ۱۳۸۴، در عین حال پایان هشت سال سیاست ها و برنامه های اصلاح طلبان حکومتی و دولت سید محمد خاتمی بود. حزب ما

هم میهنان گرامی! سال ۱۳۸۴، سال دشوار یورش همه جانبه ارتجاع حاکم به منظور تسخیر سنگرهای جنبش مردمی در راه اصلاحات و درهم کوبیدن صدای آزادی خواهی و عدالت جویی در میهن ما بود. آغاز سال ۸۴



مصادف با شروع کارزار برگزاری نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و تلاش علنی و سازمان یافته مزدوران مسلح و نیمه مسلح ارتجاع برای پایان دادن به «غائله اصلاحات» بود. رونودی که از برگزاری

انتخابات مجلس، در سال ۱۳۸۳ با حذف هزاران نامزد انتخاباتی به جرم دگراندیشی، آغاز شده بود با به کرسی نشاندن مشتکی مزدور گوش به فرمان ولی فقیه و دیگر سران ارتجاع، در مقام قانون

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه میزان تورم و حداقل دستمزدها ...

از اعلام ۱۵۰ هزار تومان در ماه به عنوان حداقل دستمزد کارگران، یکی از اعضای ارشد انجمن کارفرمایان به خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۱۴ اسفند ماه اعلام داشت: «حداقل دستمزد اعلام شده کارگران در سال ۸۵، از هر جهت مناسب و مورد تایید کارفرمایان است، رقم به دست آمده (۱۵۰ هزار تومان ماهیانه) نتیجه سه جانبه گرایی است که دولت (خوب توجه کنید) در محوریت آن قرار داشت، مبلغ تنظیم شده همه جوانب امر را در نظر گرفته است و به نظر می رسد همه شرکای اجتماعی نسبتاً راضی هستند.» بر خلاف مدعیات دولت احمدی نژاد و تجار عمده و کلان سرمایه داران طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما با نرخ تعیین شده به شدت مخالف و از آن کاملاً ناراضی هستند. یکی از اعضای پیشین شورای پول و اعتبار جمهوری اسلامی در خصوص حداقل دستمزدها و میزان آن در حال حاضر و سال آینده با صراحت هر چه تمامتر به خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۱۵ اسفند ماه خاطر نشان ساخت: «با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، دستمزد واقعی ۵۰ درصد بالاتر از میزان حداقل دستمزد کنونی است و در شهرهای بزرگ نیروی کار با این میزان دستمزد از تامین کمترین امکانات زندگی ناتوان می باشد.»

به علاوه علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر به روشنی هر چه تمامتر اعتراف می کند: «طی ۱۶ سال گذشته و همزمان با تغییر پایه پولی، قدرت خرید کارگران روز به روز کاهش یافته است.» در کنار این آمار که توسط افراد وابسته به رژیم عنوان می گردد، کارگران و معدود نمایندگان آن ها در سندیکای شرکت واحد و برخی تشکل های صنفی مستقل، که البته زیر فشار و پیگرد امنیتی قرار دارند، ضمن اعتراض های جدی به میزان حداقل دستمزدها خواستار افزایش دستمزد بر مبنای نرخ واقعی تورم هستند. یکی از نمایندگان انجمن صنفی در این باره یادآور شده است: «حداقل مزد کارگران برای سال آینده، مشکل کارگران را حل نمی کند و این حداقل بر خلاف وعده های دولت احمدی نژاد است با ادامه وضعیت فعلی، نه تنها مشکلات کارگران کمتر نخواهد شد، بلکه بیشتر هم می شود، چه کسی می تواند با ۱۵۰ هزار تومان در آمد ماهیانه، یک خانوار چهار نفره را اداره کند، حتی در جنوب شهر نیز کرایه خانه ها کمتر از ۱۰۰ هزار تومان در ماه نیست.» این اعتراض ها از حمایت توده کارگران که با پوست و گوشت خود نابرابری را حس می کند، روبرو است، به همین جهت باید به نحوی سازمان یافته و موثر این اعتراض ها را در قالب یک جنبش سندیکایی ریخت و از حقوقی صنفی رفاهی زحمتکشان در برابر تهاجم گسترده ارتجاع دفاع کرد.

میزان حداقل دستمزد ۱۵۰ هزار تومان در ماه با حداقل هزینه ها تفاوت زیادی دارد. اتفاقاً در سال گذشته جریان ارتجاعی خانه کارگر با پذیرش این مسأله که طرح تثبیت قیمت ها در حال اجرا است و بنابر این تورم کنترل و قیمت ها افزایش نخواهد یافت، مانع از افزایش منطقی حداقل دستمزدها شد، حال آنکه طرح تثبیت قیمت ها نه تنها تورم را کنترل ننمود، بلکه سطح زندگی زحمتکشان و قشرهای میانه حال را در وضعیت ناگوار قرار داد و امسال نیز دولت احمدی نژاد با ترفند های گوناگون از اجرای خواست به حق میلیون ها زحمتکش کشور مینی بر افزایش دستمزدها بر اساس نرخ واقعی تورم سرباز زد و مبلغی را تعیین کرده است که ارمغانی جز فقر بیشتر برای کارگران نخواهد داشت. مسأله دستمزدها، همواره یکی از اصلی ترین عرصه های رویارویی زحمتکشان با رژیم ولایت فقیه بوده و هست. باید اعتراض ها در این زمینه را سازماندهی کرد. این عرصه ای است که فعالان سندیکایی می توانند توده های وسیع کارگران را در زیر آن سازمان داده و جنبش اعتراضی نیرومندی را پایه ریزی کنند. مبارزه برای افزایش دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم، توان و امکانات جنبش سندیکایی کنون میهن ما را در صورت استفاده صحیح فعالان کارگری از امکانات و اوضاع موجود افزایش خواهد داد. به این دلیل باید پیگیرانه در این زمینه تلاش و پیکار کرد!

جمهوری اسلامی است. بانک مرکزی چندی پیش نرخ تورم را ۱۳ درصد اعلام کرده بود و ناگفته پیداست این رقم نیز واقعی نیست و هر ساله مسئولان اقتصادی رژیم بویژه در بانک مرکزی به دلایل کاملاً سیاسی نرخ تورم در کشور را بسیار پایین تر از نرخ واقعی اعلام می کنند. در یکی از آخرین گزارش های صندوق بین المللی پول نرخ واقعی تورم در ایران بیش از ۱۹ درصد ارزیابی گردیده است و به همین دلیل جمهوری اسلامی در میان کشورهای جهان پنجمین کشور با نرخ تورم است. همچنین واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست نرخ تورم در کشور را نزدیک به ۲۰ درصد عنوان ساخته و علت آن را رشد بی وقفه نقدینگی قلمداد کرده است. در همین خصوص طیب نیا معاون اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه ریزی جمهوری اسلامی در جریان سومین جلسه ی تشریح لایحه بودجه سال ۸۵ و اصلاحاتی که در مجلس بر روی آن صورت گرفته با صراحت اعتراف کرد که در حال حاضر رکود اقتصادی وجود دارد و رشد نقدینگی سبب افزایش تورم شده است. یکی از دغدغه های همیشگی دنیا تورم است، اما قطعاً تنها هدف دولت ما مهار تورم نخواهد بود، چرا که اهداف مهم تری همچون افزایش رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال کامل مد نظر قرار خواهد گرفت، تلاش های بسیاری برای مقابله با بیکاری صورت می گیرد که در کوتاه مدت آثار توری بر جای خواهد گذاشت. به این ترتیب بر خلاف ادعای معاون وزیر کار، نرخ تورم در سال آینده با توجه به ماهیت بودجه تنظیم شده، توسط دولت احمدی نژاد، مسیر صعودی خواهد داشت و حداقل دستمزد تعیین شده، به میزان ماهیانه ۱۵۰ هزار تومان، بسیار پایین تر از رقم تورم واقعی قرار دارد. بی جهت نبود تعدادی از کارگران استان آذربایجان شرقی در اعتراض به اقدام های وزیر کار در تاریخ ۹ اسفند ماه به خبرنگار ایلنا خاطر نشان ساخته بودند: «وزیر کار و امور اجتماعی باید دستمزد کارگران در سال آینده را بر اساس تورم واقعی و نه بر مبنای تورم سیاسی محاسبه و اعلام کند.»

نکته مهم دیگر عبارت است از این واقعیت که امسال بر خلاف سال های گذشته نمایندگان خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی کار، که هر دو در خدمت جناح های معینی در حاکمیت قرار دارند و همواره بر ضد منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان عمل کرده اند، از حضور در جلسات شورای عالی کار، برای تعیین میزان حداقل دستمزد، کنار گذاشته شدند و نمایندگان از سوی جامعه اسلامی کارگران یعنی تشکل ارتجاعی وابسته به باندهای هوادار دولت احمدی نژاد در این جلسات به دستور شخص وزیر کار شرکت داده شدند. به همین دلیل میزان حداقل دستمزدها نه در جریان مباحث شورای عالی کار بلکه بیرون از آن تعیین شده بود. خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۹ اسفند ماه از قول یکی از اعضای سابق کانون شوراهای اسلامی که اکنون عضو جامعه اسلامی کارگران است گزارش داد: «برسر رقم نهایی حداقل دستمزد سال ۸۵ به توافق نهایی رسیده ایم که البته مقرر شده تا اجماع نهایی اعلام نشود پر واضح است این اجماع نهایی تامین خواست های کارفرمایان بود. درست به همین دلیل پس

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

مبارزه قدرت بر سر بودجه کل کشور

جلسات پر تنش مجلس شورای اسلامی هنگام بحث و بررسی لایحه بودجه کل کشور برای سال ۱۳۸۵، باردیگر اختلافات و درگیری های درون حکومتی بویژه در طیف مدافعان ذوب در ولایت را در معرض دید و داوری افکار همگانی قرار داد. این درگیری ها، از آنجا که در وضعیت حساس فعلی رخ می دهد، از اهمیت جدی برخوردار بوده و به همین دلیل توجه جدی و دقیق به محتوی و سمت و سوی آن برای درک اوضاع حاکم بر صحنه سیاسی مپهن ما ضروری است. به دنبال تصویب پیشنهاد کمیسیون عمران مجلس هفتم در مورد بند «و» و تبصره ۲ لایحه بودجه سال ۸۵ فضای مجلس به شدت متشنج شد و غلام علی حداد عادل رییس مجلس مجبور شد جلسه علنی را تعطیل اعلام نماید. پیش از این جلسه، محمدرضا باهنر، نایب رییس مجلس، طی سخنرانی خود خواستار رای نمایندگان و تصویب لایحه بودجه شده بود که در نهایت کلیات لایحه با ۱۶۱ رای موافق به تصویب رسید. در بحث جزئیات و پیشنهادهای کمیسیون تلفیق مجلس اوج درگیری ها آشکار شد. به طور مثال در لایحه و بنابه پیشنهاد دولت احمدی نژاد، اختصاص اعتبار ۱۰۵ هزار و ۹۰۱ میلیارد و ۸۸۶ میلیون ریال برای تسریع در اجرای عملیات طرح های تملک دارایی سرمایه ای و خاتمه یافتن طرح ها و پروژه هایی که در سال های ۸۵ باید به اتمام برسند در نظر گرفته شده بود، اما کمیسیون تلفیق این رقم هنگفت را به ۷۶ هزار و ۸۵۹ میلیارد و ۲۸۶ میلیون ریال کاهش داد که سبب ناراحتی و واکنش جناح مدافع دولت گردید و آنان دست به اقدام متقابل زدند. طرحی از سوی این جریان ارایه شد که در آن، آمده بود، پیشنهادهای کمیسیون عمران به جای کمیسیون تلفیق در مجلس به رای گذاشته شود. این پیشنهاد نظر به دیدگاه دولت احمدی نژاد را در خصوص اختصاص میلیاردها تومان به پروژه های به اصطلاح نیمه تمام تأمین می کرد و به هیات وزیران این امکان را می داد که مبلغ ۱۵۴ هزار و ۹۰۱ میلیارد و ۸۸۶ میلیون ریال از طریق حساب ذخیره ارزی هزینه کند، به این شکل بسیاری از محدودیت ها از پیش پای دولت برداشته می شد و سقف بودجه نیز حتی از طرح اولیه بالاتر قرار می گرفت. با رای به این پیشنهاد و مخالفت چهره هایی نظیر توکلی، کار به جنجال و اختلاف جدی کشیده شد. به هر جهت با اعلام اینکه با رای گیری مجدد پیشنهاد کمیسیون تلفیق پذیرفته شده و هیات ریسه رای قبلی را مخالف آئین نامه داخلی مجلس اعلام داشت، اختلاف و تنش در هنگام بررسی لایحه فقط محدود به صحن علنی و غیر علنی مجلس نبود. در این باره رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه با انتقاد از لایحه دولت از جمله گفته بود: «در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور الزامات و شرط هایی لحاظ شده که ۱۵ مورد آن تاکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام در دست بررسی و برخی از آنها به تصویب رسیده است، مانند دانایی محوری، اصلاح ساختار باید قدرت رقابت اقتصادی و امنیت سرمایه تأمین شود.» به این ترتیب وی در مقابل لایحه بودجه دولت و بحث نمایندگان

ادامه شرکت نماینده حزب توده ایران ...

هشدار از جدائی طلبی کردها می دادند، امروز به عین می بینند که کردها در تحکیم همبستگی مردم عراق و یکپارچگی کشور نقش درجه اول را ایفا می کنند. نماینده حزب ما در سخنرانی خود که با استقبال فراوان حاضرین روبرو شد از جمله چنین عنوان کرد: هم اکنون حدود ۷ ماه از تشکیل دولت احمدی نژاد، که حزب ما آن را کابینه اختناق و واپس گرایی نامیده است می گذرد. ما از مدتها پیش از توطئه های رژیم در رابطه با یکدست کردن تمامی ارکانهای قدرت و باز پس گیری برخی آزادیهای نیم بند بدست آمده در زمان خاتمی پرده برداشتیم. نماینده حزب پس از بیان نظرات حزب در رابطه با سیاستهای حساب شده دولت احمدی نژاد در پدید آوردن بحرانهای کاذب و تنگتر کردن فضای سیاسی کشور و همچنین روشن ساختن موضع گیری حزب مان پیرامون برنامه اتمی ایران و زیاده طلبی های امپریالیسم در این رابطه، از جمله گفت: حزب توده ایران با قاطعیت تمام به سخره گرفتن دین و اعتقادات مردم را به هر شیوه و شکلی محکوم می کند. از دیگر سو ما اقدامات خشونت طلبانه نسبت به مراکز و نهاد های خارجی را نیز مردود و محکوم می شماریم. حزب ما، که خود در یک جامعه اسلامی فعالیت می کند، همیشه تلاش کرده است تا به ارزش های مذهبی موجود در جامعه احترام بگذارد و از هرگونه اقدامی در جهت جریحه دار کردن احساسات مذهبی مردم پرهیز نماید. دین و باورهای مذهبی بخشی از فرهنگ یک جامعه را تشکیل می دهند. تمسخر و مضحک جلوه دادن فرهنگ دیگران، راه صحیحی در جهت تقویت پیوند میان خلق های گوناگون در عصر جهانی شدن نمی تواند باشد.

امروزه فرهنگ ها، به علت ایجاد ارتباطات گسترده و پیشرفته و همچنین تسهیل امکان جابجایی در عرصه بین المللی، بیش از هر زمان دیگر در تاریخ بشری، در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و از همین رو نیز بیش از هر زمان دیگر نسبت به یکدیگر سنجیده می شوند. در این عرصه با قطعیت می توان گفت که قائل شدن حق حیات تنها برای یک فرهنگ، و آنچنان که امروزه ترویج می شود تنها برای فرهنگ غربی، امری نادرست و مخرب است. این برخورد روی دیگر بنیاد گرایی موجود است که در عصر جهانی شدن، تنها به مدل تکاملی وحدت بدون تنوع در فرایند ارتباطات و چالش در بین فرهنگهای گوناگون می اندیشد. این شیوه برخورد و قائل شدن حقانیت تنها برای خود، برخوردی از موضع برتر و سرچشمه گرفته از دوران استعمار کهن است. بر پایه این مدل، تفاوت های موجود در میان فرهنگهای گوناگون می باید به نفع همگون سازی آنها زوده گردند و در این میان فرهنگ غربی و پیش از همه فرهنگ آمریکایی معیار این همسان سازی در نظر گرفته می شود. فرهنگ های دیگر می باید خود را با این فرهنگ تطبیق دهند. نظرات ارتجاعی و مخرب ساموئل هانتینگتون در ارتباط با حفظ برتری ایالات متحده آمریکا نسبت به دیگر کشورها، به ویژه نسبت به تمدن اسلامی و چین پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی توجه زیادی را بخود جلب کرده است و هم اکنون بخشهایی از این نظریات توسط دولت جورج بوش در عمل اجرا می گردد.

بر پای نظریات او جنگهای آینده نه بعلم مسائل اقتصادی و یا ایدئولوژیک، که بعلم اختلافات فرهنگی رخ خواهند داد. از همین رو تمدن غربی، حتی اگر شده با توسل به شیوه نظامی، نباید اجازه دهد تا تمدنهای غیر غربی، همانند اسلامی و یا چینی، برای آن مبدا حتی به صورت رقیب امکان عرض اندام داشته باشند. نتیجه آنکه غرب می باید همانند گذشته، به خرج شرق برتری بلامنازع خود را تثبیت کند. در این راستا حتی جنگهای پیشگیرانه توصیه می گردد. نظرات اخیر ژاک شیراک در زمینه استفاده از سلاح اتمی برای مبارزه با تروریسم نیز می باید در همین چارچوب مورد دقت قرار گیرد. در شرایط حاضر دنیا بویژه برای ملل کوچکتر، نا امن تر از گذشته گردیده است. امروزه جنگهای مغایر با حقوق بین الملل تحت عناوین دفاع از حقوق بشر و گسترش دموکراسی به پیش برده می شوند. ناامنی و تهدیدهای امپریالیستی از ویژگیهای زمان حاضر می باشند. در مخالفت با آن و برای جهانی صلح آمیز و همبسته حزب تود ایران مبارز خود را به پیش می برد.

رفیق والتر بایر پس از پایان سخنان نماینده حزبمان، مواضع اتخاذ شده از سوی حزب تود ایران را ستود و گفت: مواضع حزب تود ایران، مواضع یک حزب مسئول است. کمونیستها در سراسر جهان اینگونه رفتار می کنند. او در رابطه با مواضع حزبمان نسبت به برنامه هسته ای ایران نیز گفت: همه می دانند که حزب کمونیست اتریش حتی با استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای مخالف است ولی مواضع اصولی حزب تود ایران مرا بر آن داشت که از امروز به بعد در این رابطه از این مواضع حمایت کنم.



هشت مارس، روز جهانی زن و ضرب و شتم زنان

هفته گذشته ۸ مارس، روز جهانی زن، در سراسر جهان بود. زنان مبارز میهن ما نیز با برگزاری مراسم مختلف ضمن گرمی داشت این روز صدای حق طلبانه خود را برای دست یابی به آزادی، و برابری حقوق در تمام عرصه های اجتماعی بلند کردند. آنچه که در این روز برای زنان ایران، که در کمال آرامش و خویشتن داری قصد داشتند در کنار هم این روز را جشن بگیرند، اتفاق افتاد، خود افشاء کننده ماهیت ستمکارانه رژیم است. خشونت علیه زنان در پارک دانشجو آن هم در روز جهانی زن، با خشم و انزجار بسیار روبرو شد. در این ارتباط واکنش ها و اعتراضات زیادی صورت گرفت که محور آن را همبستگی با مبارزات زنان میهن علیه بی عدالتی و برای دستیابی به آزادی و برابری تشکیل می داد. شیرین عبادی ضمن محکوم کردن خشونت نیروهای انتظامی اعلام کرد: «ضمن اعلام تاسف از واقعه که روز ۸ مارس در پارک دانشجو اتفاق افتاد و ضمن ابراز همبستگی با زنانی که در آن روز در پارک گردهم آمده بودند، به عنوان یک وکیل دادگستری اعلام میدارم خشونت نیروی انتظامی فاقد مجوز قانونی است.» این پاسخ و اعتراض در واقع ایرادی را نشانه رفته است که نیروهای قشری و زن ستیز بهانه می آورند که تجمع زنان در این روز مجوز قانونی نداشته است. بنابراین این گویا با تکیه بر این بهانه، می توان چنین برنامه هایی را در هر زمان و در هر کجا که باشد، سرکوب کرده و شرکت کنندگان آن را مورد ضرب و شتم قرار داد. روز ۸ مارس و آنچه در پارک دانشجو بر زنان میهن ما گذشت، یعنی حمله گارد ویژه و نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها و ضرب و شتم زنان از جمله توهین و حمله به غزلسرای برجسته ایران سمین بهبهانی، که در این مراسم شرکت داشت، یک بار دیگر سیاست های زن ستیزانه و آزادی کش رژیم را به وضوح نشان داد. آن چه که در این میان قابل اهمیت است، همانا اعتراض یک پارچه احزاب، سازمان ها و نیروهای سیاسی ایران به این گونه اقدامات و همبستگی با زنان میهن ما در این روز فرخنده

است. کلیه نیروهای سیاسی، فرهنگی و دانشجویی کشور این اقدام را محکوم کرده و پیرامون آن دست به افشاکاری زدند. در یکی از این واکنش ها که توسط شورای مرکزی سازمان دانش آموزان منتشر شده است، توطئه های سرکوب گران و توجیحات آنان چنین رسوا شده است: این اقدام در حالی صورت می گیرد که نیروی انتظامی طی یک ماه گذشته در برابر دهها تجمع خشونت آمیز و مروج تنفر که بدون اخذ هیچ گونه مجوزی و با چراغ سبز مراجع ذی ربط در مقابل سفارتخانه ها با استفاده از مواد آتش زا برگزار شده بود سکوت کرده و هیچ کدام از این افراد را نیز تحت پیگرد قانونی قرار نداد و در مقابل با یک گردهمایی مسالمت آمیز زنان با این شدت و حدت برخورد کرد.

حزب توده ایران همگام با دیگر نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک کشورمان یورش ددمنشانه گزمگان ارتجاع و استبداد را به مراسم ۸ مارس، در پارک دانشجو، به شدت محکوم می کند و بار دیگر همبستگی رزمجویانه خود را با زنان شجاع و آگاه میهن مان در مبارزه شان برای دست یابی به برابری حقوق و رهایی از چنگال ستم طبقاتی - جنسی اعلام می کند.

ارسال پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل

بالاخره پس از ماه ها کشمکش بر سر سیاست های هسته ای ایران، و اختلافات موجود میان طرفین درگیر، به خصوص دخالت ها و فشارهای آمریکا در این مورد، پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد. در این میان از سوی تعدادی از سران رژیم ولایت فقیه مواضع ضد و نقیضی مطرح شده و می شود که نشان از سردرگمی و بی توجهی آنها به منافع ملی میهن ما دارد. در این میان مواضع احمدی نژاد در سخنرانی های گوناگون خود مثال زدنی است. وی که با طرح شعارهای کلی و عوامفریبانه قصد فریب مردم را دارد، در ظرف روزهای اخیر با حملات آشکارا تبلیغاتی مواضع دولت ارتجاعی خود را که همانا ادامه بحران سیاسی موجود می باشد، بیان کرده است. نکته مهم در این میان سخنان سید علی خامنه ای رهبر رژیم است که در واقع می توان گفته های او را سیاست رسمی و بازگشت ناپذیر رژیم دانست. خامنه ای در روزهای گذشته یک بار دیگر ضمن دفاع از دولت و شخص احمدی نژاد، سیاست های مطرح شده توسط وی را مورد تایید خود قرار داد. خامنه ای به عنوان رهبر مذهبی رژیم و بالطبع به عنوان کسی که بالا دست او وجود ندارد، با توجه به برنامه هسته ای ایران و ارسال آن به شورای امنیت، اعلام کرد که در این زمینه ما کوتاه نخواهیم آمد. استدلال وی در این زمینه چنین بود: «ایران اگر یک قدم عقب بنشیند، آمریکا سه قدم جلو می آید. اگر کوتاه بیایم آنها جلو می آیند...» همچنین روز سه شنبه ۲۳ اسفند ماه سید علی خامنه ای طی سخنانی یک بار دیگر اعلام کرد که سیاست های ایران پیرامون دستیابی به انرژی هسته ای بازگشت ناپذیر است و اگر چنین شود به استقلال کشور لطمه وارد می شود. این سخنان بدین معنا است که رژیم و ولی فقیه آن تصمیم خود را مبنی بر ادامه بحران گرفته اند.

با توجه به این گونه اظهارات سران رژیم و همچنین با توجه به فشارهای آمریکا مبنی بر تنبیه ایران و وارد آوردن فشار بیشتر، باید انتظار داشت که وضعیت موجود بغرنج تر شود. شکی نیست که نگرانی های مردم در این زمینه افزایش یافته و باید گفت که خطراتی میهن ما را تهدید می کند.

فشار بر مطبوعات افزایش می یابد

در ادامه فشار به مطبوعات و توقیف نشریات، به ویژه از زمان انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، یک نشریه دیگر به محاق توقیف درآمد. بنابه گزارش خبرگزاری ایلنا، نشریه «نوید آذربایجان» به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و دامن زدن به مسائل قومی توقیف شد. طی ماه های گذشته این پنجمین نشریه و روزنامه ای است که با صدور حکم توقیف، جلوی انتشار آن گرفته می شود. دست اندرکاران مطبوعات یکی از علت های اصلی این گونه برخوردها را تحمیل خودسانسوری بیشتر به خبرنگاران و روزنامه نگاران می دانند. از آن رو که یکی از مهمترین مشکلات مطبوعات عدم امنیت شغلی دست اندرکاران و کارکنان آن است، دولت احمدی نژاد، قصد دارد که آن ها را وادار به سکوت و تمکین کند. آخرین قربانی این گونه اقدامات نیز توقیف نشریه «نوید آذربایجان» است. مهرا تبری، مدیر مسول «نوید آذربایجان» اعلام کرد که حکم توقیف نشریه را از طریق پست دریافت کرده و طبق این نامه، این نشریه به استناد ماده ۴ و ۵ قانون مطبوعات توقیف شده است که ماده ۴ موضوع قوم گرایی و ماده ۵ تشویق افراد علیه امنیت ملی است. وی گفت: جالب اینجاست که حتی یک نمونه از مطالب یاد شده را نیز اعلام نکرده اند. وی توقیف نوید آذربایجان از سوی هیات نظارت بر مطبوعات را، حرکتی کاملاً شتابزده خواند و گفت: هیچ قدرت و دولتی قادر نیست نشریات یا رسانه ها را یکدست، وابسته و تعریف گر قدرت بکند چون پویایی جامعه به لحاظ برخورداری از رسانه های نقاد است و برخورد کنونی هیات نظارت بر مطبوعات یک برخورد چکشی و حذفی است. نوید آذربایجان مدت هشت سال است که انتشار مییابد. این نشریه علاوه بر مناطق آذربایجان در شهرهای دیگر ایران از جمله تهران توزیع می شد. هم چنین محاکمه مدیران مسول چهار نشریه که عبارتند از البرز ورزشی، تجلی، تمدن هرمزگان، هنر هفته و صبح در جریان رسیدگی است.

ادامه در حاشیه رویدادهای هفته گذشته...

اتهامات انتسابی به این مدیران جراید عبارتند از انتشار مطالب خلاف واقع و استفاده ابزاری از افراد در تصاویر و منعکس کردن این گونه تصاویر است... علاوه بر این محاکمه نیک آهنگ کوثر، هنرمند کاریکاتوریست که آثارش پیش از این در چند روزنامه توقیف شده منتشر می شد، روز سه شنبه، بیست و سوم اسفند ماه در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی حسینیان برگزار می شود. اتهام نیک آهنگ کوثر توهین و اهانت به مسئولین نظام است. شکایت های مطروحه از سوی علی لاریجانی، رییس وقت سازمان صدا و سیما، مصباح یزدی و مدعی العموم مطرح شده که بیم آن می رود وی به محکومیت سنگین محکوم شود.

روسیه و ایران: بن بست بر سر برنامه هسته ای

اظهارات حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه ایران ابتکار عمل روسیه را نمی پذیرد و قصد دارد در مقیاس گسترده ای غنی سازی اورانیوم را انجام دهد، نگرانی های زیادی در داخل و خارج از ایران به وجود آورد. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، از رفتار ایران، مبنی بر همکاری دوجانبه و مشترک برای غنی سازی اورانیوم، ابراز تأسف کرد. وی با اشاره به این امر که هنوز راه رسیدن به توافق، مبنی بر فعالیت مشترک در زمینه غنی سازی اورانیوم در خاک روسیه باز است، نوبیدی خود را از پیام های متضادی که از تهران می رسد اعلام کرد. وزیر امور خارجه روسیه عنوان کرد: «ما از رفتار تهران در طول این مذاکرات بسیار نوبید شدیم زیرا ایران به گروه هایی که به دنبال راه های صلح آمیز برای حل مشکل هسته ای این کشور هستند کمک نمی کند.» وی اعلام کرد که موفقیت پیشنهاد مسکو برای همکاری مشترک در زمینه غنی سازی منوط به پذیرش رسمی دولت ایران برای همکاری جدی است. وزیر خارجه روسیه به خبرگزاری ریانووستی گفته است که او نمی تواند به طور قطع در این باره اظهار نظر کند، زیرا اظهار نظرهای ایران کاملاً متناقض است و از پذیرش همکاری تا رد همکاری را شامل می شود. سرگئی لاوروف برخورد و رفتار ایران را حرکت به سوی بن بست بین المللی بر سر برنامه هسته ای خواند. با این حال به گزارش خبرگزاری ریانووستی، سخنگوی سفارت روسیه در تهران اعلام امیدواری کرد که: احتمالاً مذاکرات دو جانبه، سه شنبه یا چهارشنبه این هفته در مسکو برگزار می شود و علی حسینی تاش معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ریاست هیأت ایرانی را بر عهده خواهد داشت.

دولت بوش و طرح «آزادی» ایران

دیگ چنی، معاون رییس جمهوری آمریکا، بدون بیان جزئیات، اظهار نظر کرد که اگر ایران به غنی سازی اورانیوم ادامه دهد شورای امنیت «نتایج معنی داری را به ایران تحمیل خواهد کرد.» دولت آمریکا در ادامه پیشبرد سیاست های خود در قبال ایران، دست به تحرکات تازه ای زده است. مواضع رسمی و اعلام شده سران ایالات متحده خبر از طرح های مختلفی می دهد که شامل موارد گوناگونی از اقدامات نظامی گرفته تا ایجاد و تقویت نیروهای ایرانی وابسته به خود و کمک مالی و پشتیبانی از اپوزیسیون ارتجاعی و وابسته دارد. آخرین نمونه این نوع اقدامات ارایه طرحی است که توسط شماری از نمایندگان آمریکا آماده شده و قرار است که در ظرف

روزهای آتی کنگره آمریکا پیرامون آن تصمیم گیری کنند. اگر این طرح در کنگره آمریکا رای لازم را بیاورد، در واقع شکل قانونی خواهد گرفت و پیامدهای اجرایی دارد. بدین شکل که دولت ایالات متحده باید در جهت اجرای کامل آن قدم بردارد. این طرح پرونده ۲۸۳ نامیده می شود و بنا به گزارش روزنامه الحیات شامل آن موارد و احتمالاتی است که دولت بوش در قبال ایران به کار خواهد گرفت. در دو هفته گذشته بر اساس اظهار نظر مقامات بلندپایه آمریکایی، این دیدگاه در مطبوعات سراسر جهان تقویت شده که موضوع برخورد با ایران در دستور روز دولت آمریکا قرار گرفته است. و این دولت همه راه ها را برای پیشبرد سیاست های خود تعقیب می کند. طرح های عمده ای که در سخنان و مصاحبه های مقامات آمریکایی بازتاب پیدا کرده اند شامل سه محور عمده می شوند، که می توان به شکل خلاصه آن ها را چنین برشمرد: تشدید و گسترش ساسیت تحریم اقتصادی و همه جانبه ایران و فراخواندن کشورهای دیگر به خصوص اروپا برای پیوستن به این اقدام. آن هم به این بهانه که هدف نهایی ایران دستیابی به سلاح هسته ای و تهدید سایر کشورها است. همچنین اتهام کمک دولت ایران به سازمانهای تروریستی به ویژه در عراق و افغانستان از دیگر مواردی که آمریکا در روزهای اخیر حول آن به تبلیغات دامنه داری دست زده است. طرح دیگر مبتنی بر سیاست انزوای بین المللی ایران استوار است. بر اساس این نظریه آمریکا قصد دارد از یک سو ایران را کاملاً منزوی کرده و از سوی دیگر با کمک های همه جانبه به مخالفان رژیم آن ها را تقویت کرده و بدین شکل جایگزینی کنترل شده و تحت حمایت خود را سازماندهی کند. محور دیگر اقدامات نظامی علیه ایران که در هفته های اخیر اغلب سران دولت آمریکا اعلام کرده اند که به عنوان یکی از اقدامات این کشور روی میز دولت بوش قرار دارد. در این ارتباط جورج بوش، در روز گذشته طی سخنانی در واشنگتن اتهامات تازه ای متوجه ایران ساخت و اعلام کرد که گزارشاتی در دست است که دخالت های ایران را در عملیات تروریستی در عراق نشان می دهد. وی در این سخنرانی بیان کرد که گویا بخشی از مواد منفجره تروریستها از طرف ایران تامین می شود. شاید به دلیل این گونه تحرکات و سیاست های دولت آمریکا در جهت افزایش فشارهای بین المللی بر ضد ایران است که در هفته جاری هشت مؤسسه مهم مالی دنیا اعلام کردند که در معامله دلاری خود با ایران محدودیت هایی برقرار خواهند کرد.

تحصن و اعتراضات دانشجویی در دانشگاه شریف

به دلیل تصمیم اعضای شورای فرهنگی مبنی بر خاکسپاری شهیدان گمنام در محوطه دانشگاه صنعتی شریف و تدارک دیدن برنامه ای تبلیغاتی در این زمینه، دانشجویان دانشگاه شریف مخالفت شدید خود را با دفن پیکرهای گمنام در داخل این دانشگاه و استفاده ابزاری از این گونه اقدامات، ابراز کردند. دانشجویان این دانشگاه با تعطیل کردن کلاسهای درس و تجمع در محلی که می بایست این مراسم برگزار شود، نسبت به این اقدام اعتراض کرده و مانع اجرای مراسم شدند. این در حالی است که دانشجویان بسیجی هم چنان بر موضع خود برای دفن این پیکرها تأکید دارند. مساله مهم در این ارتباط حضور تعداد کثیری از عوامل رژیم یعنی نیروهای نیروی لباس شخصی در محل مسجد دانشگاه شریف است که برای برخورد فیزیکی با دانشجویان معترض آماده هستند.

دانشجویان معترض که تعداد آنها صدها نفر اعلام شده است با تشکیل حلقه های انسانی، در اطراف گورهای آماده شده برای دفن در داخل دانشگاه تاکنون از این اقدام جلوگیری کرده اند. دانشجویان با حمل شعارهایی که در آنها نسبت به استفاده ابزاری از شهدا اعتراض شده بود، خواستار برکناری میرزایی معاون دانشگاه شریف و مسئول انجام طرح تدفین در صحن دانشگاه صنعتی شریف هستند. در این رابطه اعتراض کنندگان با صدور قطعنامه ای به تقبیح این تصمیم پرداخته و یادآور شده اند که دو روز قبل از اجرای این برنامه در بین دانشجویان یک نظرسنجی، توسط انجمن اسلامی دانشجویان انجام شده است که در آن ۸۲/۵ درصد دانشجویان مخالفت جدی خود را با چنین طرحی اعلام کرده اند. در این قطعنامه همچنین آمده است که چون دانشگاه متعلق به دانشجویان است و دانشجویان صاحب اصلی دانشگاه است لذا هر گونه تصمیم گیری این چنینی باید بر اساس رفتارندومی که برگزار کنندگان آن شامل نمایندگان مسئولین دانشگاه، انجمن اسلامی دانشجویان و دیگر گروه های دانشجویی معترض می باشد، انجام پذیرد. اعتراضات و تحصن دانشجویان در این دانشگاه هنوز پس از گذشت دو روز ادامه دارد.

ادامه پیام نوروزی کمیته مرکزی....

اهرم های قدرت ارتجاع یاری رساند فرصت تاریخی یگانه یی را فدای کژ اندیشی و منافع تنگ گروهی کسانی می کند که نمی توانند خود را از حصارهای ارتجاعی حفظ «ولایت فقیه» آزاد کنند. این سیاست ها همچنین به جدا شدن بخش های مهمی از نیروهای اجتماعی و دلسردی مردم نسبت به روند اصلاحات منجر شد. بدین ترتیب انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در شرایط اختلاف های گسترده در میان نیروهای اصلاح طلب و نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور و همچنین کناره گیری بخش های موثر نیروهای اجتماعی، از جمله شمار وسیعی از جنبش دانشجویی کشور، آنچنان شرایطی را فراهم آورد که ارتجاع حاکم توانست با حرکتی سازمان یافته و با بهره گیری بی سابقه از نیروهای نظامی و انتظامی و همچنین تقلب وسیع چهره تاریک اندیش و وابسته به نهاد های انتظامی راه، که تا چند ماه پیش از انتخابات، در مجموع فرد شناخته نشده یی بود، از صندوق های رأی بیرون آورد و ضربه جدی یی به روند اصلاحات و جنبش مردمی وارد کنند. قبول تقلبات گسترده ارتجاع در دوره اول انتخابات، توسط دولت خاتمی، ضربه بزرگی به تلاش ها برای مقابله با ارتجاع و یاری دهنده اصلی آنها در تحقق برنامه هایش بود.

همان طور که پیش بینی می شد روی کار آمدن دولت امنیتی - نظامی احمدی نژاد در ماه های گذشته همزمان بوده است با تشدید خفقان، که آخرین نمونه های آن یورش وحشیانه گزمنگان رژیم به تظاهرات آرام زنان دلیر میهن ما در روز هشتم مارس، و حمله به دانشجویان معترض به برنامه های عوام فریبانه دولت ارتجاعی، است.

سال ۱۳۸۴، سال ادامه دشواری های اقتصادی و فشار کمر شکن فقر و محرومیت بر میلیون ها هم وطن زحمتکش بود که در نبود یک ساختار صحیح و عادلانه تولید و توزیع ثروت ملی همچنان از تأمین یک زندگی حداقل برای خود و خانواده شان محرومند. با وجود افزایش شدید قیمت نفت و در نتیجه افزایش درآمد رژیم سطح زندگی اکثریت جامعه همچنان روند نزولی طی کرده است. بیکاری میلیون ها ایرانی، خصوصاً جوانان کشور که هر ساله به بازار کار افزوده می شوند، نبود امکانات لازم آموزشی متناسب با نیازهای جامعه، تورم فزاینده و محرومیت شدید همچنین زمینه ساز تشدید ناهنجاری های اجتماعی، خصوصاً اعتیاد و فحشا در ابعاد بسیار گسترده و نگران کننده یی در سراسر جامعه است. در مجموع ادامه سیاست های اقتصادی - اجتماعی کنونی، در راستای منافع کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک - انگلی رشد یافته در بدنه دستگاه دولتی رژیم ولایت فقیه، بی شک به تشدید فقر، محرومیت و بحران همه جانبه اقتصادی کشور منجر خواهد شد. سال ۱۳۸۴ همچنین سال تشدید فشار بر طبقه کارگر ایران و یورش همه جانبه ارتجاع برای درهم کوبیدن هرگونه تلاش کارگران برای سازمان دهی و مبارزه منسجم بر ضد استبداد حاکم بوده است. تهاجم گسترده دستگاه سرکوب و امنیتی رژیم بر ضد اعضای هواداران، فعالان و خانواده های کارگران سندیکای شرکت واحد در ماه های اخیر و دستگیری و شکنجه صدها کارگر مبارز نشانگر هراس جدی ارتجاع از مبارزه سازمان یافته طبقه کارگر ایران و تلاش آن برای از بین بردن دست آوردهایی است که طیفه کارگر در سال های اخیر به آن دست یافته است. ما در حالی به استقبال نوروز می رویم که هنوز شماری از فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه همچنان در شکنجه گاه های رژیم برای «اعتراف» به جرایم ناکرده زیر شدیدترین فشارها هستند و خانواده های آنان در تهدید دائمی شکنجه گران به سر می برند. تلاش وسیع داخلی و بین المللی برای آزاد سازی این مبارزان دربند وظیفه یی اساسی و درنگ ناپذیر است که همه نیروهای مترقی و آزادی خواه باید در صف متحد و هماهنگ در راه تحقق آن بکوشند.

هم میهنان عزیز!

ما در حالی به استقبال آغاز سال ۱۳۸۵ می رویم که در کنار تحولات بسیار نگران کننده داخلی، مسایل بین المللی و خصوصاً حوادث در کشورهای

منطقه و همسایه ایران مسایل و معضلات مهم و خطرناکی را در مقابل مردم و میهن ما مطرح کرده است. یورش نظامی آمریکا و اشغال عراق و افغانستان توسط این کشور و متحدان آن، و در هفته های اخیر تهدید های دولتمردان آمریکا، از جمله بوش، مبنی بر برخورد همه جانبه و استفاده از همه وسایل برای متوقف کردن برنامه هسته یی ایران شرایط بسیار بحرانی را در منطقه پدید آورده است. سیاست های ماجراجویانه ارتجاع حاکم و پنهان شدن زیر شعارهای عوام فریبانه ضد آمریکایی به قصد توجیه و پیاده کردن سیاست های مخرب و سرکوبگرانه داخلی سرانجام به ارسال گزارش درباره برنامه هسته ای دولت ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد منجر شد. سیاست های نابخردانه سران رژیم آنچنان بود که کار را برای متحدان ایران، از جمله دولت روسیه که خواهان حل مسأله در چارچوب مذاکره بود، به شدت دشوار کرده و ایران را در یک موقعیت نامناسب بین المللی قرار داد. بررسی پرونده ایران در شورای امنیت و تلاش آمریکا و متحدانش برای تصویب قطعنامه یی در جهت اعمال تحریم های اقتصادی بی شک بر ضد منافع ملی میهن ماست. ما در ماه های اخیر بارها ضمن اشاره به خطرات جدی یی که میهن ما را از سوی محافل جنگ طلب آمریکا و اروپا تهدید می کند، همواره بر اصل تشنج زدایی و پرهیز از گسترده کردن دامنه برخوردها تأکید کرده ایم. راه رسیدن ایران به بهره وری صلح آمیز از انرژی هسته ای کشانده شدن پرونده آن به شورای امنیت و تشدید درگیری های بین المللی نیست. ما بار دیگر ضمن ابراز نگرانی جدی از روند تحولات کنونی مخالفت جدی خود را با سیاست های مداخله جویانه دولت های امپریالیستی اعلام می کنیم. تجربه دردناک و هولناک عراق و فاجعه ده ها هزار کشته، زخمی و قرار گرفتن کشور در آستانه جنگ داخلی خونین، در شرایط ادامه اشغالی نظامی، باید هشدار جدی برای همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور ما باشد.

حمایت برخی از نیروهای ایرانی از سیاست های تهدید آمیز امپریالیسم تنها نشانگر بی اعتقادی آنان به حقوق مردم ایران و منافع ملی کشور ماست. در این شرایط جنبش مردمی و نیروهای اجتماعی - سیاسی مدافع آزادی و عدالت اجتماعی در مقابل وظایفی حساس و دشوار قرار دارند. تجربه هشت سال گذشته، با وجود همه عقب گردهایی که در دو سه سال اخیر شاهد آن بوده ایم، نشان داد که نیروی مردمی منسجم و حاضر در صحنه مبارزه سیاسی می تواند نقش اساسی یی در تحولات کشور ایفاء کند.

حزب ما صمیمانه امیدوار است که تجربه تأسف بار انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری زمینه ساز رسیدن به درک درست در زمینه ضعف اساسی جنبش یعنی سازمان نیافتگی گردان های اجتماعی و پراکندگی و اختلافات نیروهای مترقی و آزادی خواه گردد و راه را برای رسیدن به برنامه مشترک مبارزاتی و تشکیل یک صف واحد ضد دیکتاتوری در مقابل رژیم ارتجاعی ولایت فقیه بگشاید. تنها با یگانگی و اتحاد عمل است که می توان با امکانات وسیع ارتجاع مقابله موثر کرد. مبارزه یی که هشت سال پیش با شرکت ۲۰ میلیونی توده ها در رفراندوم تاریخی دوم خرداد و نفی نامزد اصلح «ولی فقیه» رژیم آغاز شد مبارزه برای تحولات اساسی در شیوه ادار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بود و این تلاش و نبرد با وجود همه عقب گردها و دشواری ها همچنان ادامه دارد و رژیم ولایت فقیه نخواهد توانست خواست برحق اکثریت جامعه برای تحقق دموکراسی، استقرار آزادی و عدالت را سرکوب نماید. حزب ما اعتقاد عمیق دارد که می توان با تلاش سازمان یافته همه معتقدان به راهی کشور از چنگال استبداد در مقابل توطئه های ارتجاع ایستادگی کرد. امیدواریم که فرا رسیدن نوروز و آغاز سال ۱۳۸۵، سال تجدید قوای جنبش مردمی و راه گشایی به سمت استقرار آزادی، صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد.

نوروزتان مبارک و رزم تان پیروز باد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ اسفندماه ۱۳۸۵

ادامه جنگ قدرت بر سر بودجه

پیرامون آن، از الزامات و شرط ها سخن می گوید که باید همه جناح ها آن را رعایت کنند؛ و یا غلامرضا مصباحی مقدم سخنگوی جامعه روحانیت مبارز به خبرگزاری ایسنا در مورد دیدگاه این نهاد و بودجه کل کشور برای سال ۸۵، ضمن گلایه و انتقاد از دولت احمدی نژاد اعلام می دارد: «دولت باید مشوق های جدیدی طراحی کند و با افزایش تعامل با نمایندگان بخش خصوصی به نحوی برنامه ریزی کند که تمایل اصناف و بازاریان به فعالیت اقتصادی صورت بگیرد، اصلاح قانون کار و پرداخت بخشی از حق بیمه کارگران از سوی دولت راهکارهای مناسبی برای ساماندهی اقتصادی است.»

تمام این کشمکش ها بر سر لایحه بودجه، در واقع زور آزمایی جناح های حکومتی به ویژه در طیف ذوب در ولایت برای تصاحب بیشتر ثروت های ملی و درآمد ملی است. نباید فراموش کرد اختصاص مبلغ هنگفتی در لایحه بودجه که قرار است تحت عنوان بودجه عمرانی نصیب سپاه و بسیج و برخی نهادهای خاص شود، در تحلیل آخر منجر بدان خواهد شد که قدرت و امکانات جناح های معینی در حاکمیت افزایش یافته و در مقابل توان و قدرت تاثیر جناح ها و باندهای دیگر ضعیف و کم رنگ گردد. ماهیت و مضمون لایحه بودجه دولت احمدی نژاد چیزی نیست جز تقویت حکومت دلالتان و پاسداران و تضعیف دیگر بخش های حاکمیت، نظیر جناح رفسنجانی و دیگر گروه هایی که منافع خود را از حضور پر رنگ سپاه و حامیان آن در خطر می بینند.

در این خصوص محمدرضا باهنر با صراحت خاطر نشان ساخته بود: «مدعی هستیم که بالای ۹۰ درصد سیاست های موجود در لایحه دولت را کمیسیون تصحیح کرده و بعضاً با مشورت دولت ارتقاء بخشیده است، ارقام و اعداد بودجه کل کشور ۱۹۵ هزار میلیارد تومان بود که به ۱۹۰ هزار میلیارد تعدیل شد و اختلاف عدد ۲ درصد است. بودجه عمومی دولت هم از ۵۹۰ هزار به ۵۴۳ هزار تبدیل شد، یعنی اختلاف زیر ۱۰ درصد است، بیش از ۹۰ درصد از سیاست های تدوین شده دولت در راستای سیاست های کلی برنامه چهارم و چشم انداز و سیاست های مصوب تلفیق و با هم منطبق هستند.» به هر جهت با تصویب لایحه و با وجود تغییرات داده شده در آن سمت کلی این بودجه به زیان اقتصاد ملی، منافع قشرهای وسیع شامل کارگران، زحمتکشان، قشرهای میانه حال و لایه های معینی از سرمایه داران خرد و کوچک که با تولید ملی سرو کار دارند، است و بدون کمترین تردید باید تأکید کنیم، با این بودجه، اقتصاد کشور بیش از پیش در ورطه بحران و رکود قرار خواهد گرفت. افزایش تورم توأم با رکود یکی از مهم ترین پیامدهای این برنامه اقتصادی است که از هم اکنون نشانه های آن در افق اقتصادی کشور به چشم می خورد. آمار های موجود در کلیه عرصه ها، به خودی خود گویا هستند. پایگاه خبری امروز وابسته به اصلاح طلبان حکومتی، به تاریخ ۱۱ اسفند ماه، گزارش گمرک ایران را در باره میزان و حجم واردات و صادرات انتشار داد، طبق این آمار در ۱۱ ماهه سال ۱۳۸۴، صادرات غیر نفتی ایران در حدود ۹ میلیارد دلار بود و در مقابل واردات به داخل ۵ میلیارد دلار بوده است. بعلاوه در اواسط اسفند ماه خبرگزاری ایسنا گزارش موسسه بینونس مانتیور را منتشر ساخت در بخش مربوط به ایران این گزارش از جمله آمده است: «در سال ۱۳۸۵ کسری بودجه ای بالغ بر ۸۷ هزار و ۳۴ میلیارد ریال در ایران وجود خواهد داشت که منفی ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی و در حدود ۲ برابر کسری بودجه ثبت شده در سال ۱۳۸۳ است.» در کنار واردات بی رویه که سبب نابودی و ورشکستگی تولید ملی و بیکاری گسترش یافته شده، باید از افزایش تورم نام برد که به ویژه با توجه به راهبرد دولت احمدی نژاد ابعاد وحشتناک و بسیار ویرانگری به خود خواهد گرفت. ورشکستگی و تعطیلی واحدهای تولیدی همچنانکه اکنون بویژه در صنایع نساجی، فولاد و ماشین و ابزار سازی با آن روبرو هستیم، ژرفش خواهد یافت و در یک کلام بحران اقتصادی به دوش میلیون ها مردم زحمتکش کشور سنگینی خواهد کرد.

طرح جدید چین برای کاهش فاصله بین

«شهر و روستا»

جمهوری خلق چین، در یازدهمین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی خود، اهداف و خطوط جدیدی را برای کاهش فاصله بین شهر و روستا ارائه کرده است. در گزارش ارائه شده توسط دولت، نخست وزیر چین، «ون جیاپو»، پیشنهاد ۷/۵ درصد رشد سالیانه را برای اقتصاد ملی، در فاصله ی بین ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ ارائه کرده است.» (تایمز پکن ۱۶ اسفند ۱۳۸۴)

«بای هجی ن» کارشناس اقتصادی و مسئول سابق سازمان تحقیقات اقتصاد کلان برای کمیسیون اصلاحات و توسعه ی ملی، در همین مورد توضیح داد که «میانگین رشد اقتصادی در دهمین برنامه پنج ساله، (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵)، بین ۸/۸ تا ۹ درصد بود، آنچه که نسبتاً رشد بالایی بود. در مقام مقایسه، ۷/۵ درصد کم به نظر می رسد، اما در حقیقت حاکی از امید داشتن به یک رشد منظم و پیوسته است.» (همانجا) در این برنامه، همچنان بر بالا بردن سطح زندگی مردم تأکید شده است و در آن به میزان ۵ درصد افزایش درآمد شخصی برای شهروندان مناطق شهری و روستایی، در نظر گرفته شده است. همچنین بر اساس این برنامه ها، سطح زندگی مردم در شهر ها و روستا ها، در زمینه های مسکن، وسایل حمل و نقل عمومی، تحصیل، بهداشت، فرهنگ و محیط زیست، بهبود خواهد یافت. بنا به اظهار نظر «بای» به خاطر جلوگیری از بیشتر شدن فاصله در آمد بین ساکنین شهرها و روستاها، این افزایش در آمد برای ساکنین روستاها و شهرها یکسان خواهد بود. (سایت مردم روزانه ۱۶ اسفند ۸۴). بر اساس یکی از طرح های برنامه، قرار بر این است تا میزان بیکاری در مناطق شهری در زیر ۵ درصد کنترل شود و بیش از ۴۵ میلیون شغل جدید برای کارگران بخش کشاورزی، در زمینه های صنعتی ایجاد شود تا پس از آموزش بتوانند به مناطق شهری انتقال یابند. اختصاص بودجه ی جدید و تسهیلات بیشتر برای مناطق روستایی و حاشیه شهرها، از دیگر طرح های این برنامه است.

بر اساس این طرح، ۳۳۹/۷ میلیارد یوان صرف بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی و حومه شهرها خواهد شد که نسبت به سال گذشته ۴۲/۲ میلیارد یوان، برابر با ۱۴/۱۸ درصد، افزایش نشان می دهد. هدف از این طرح، افزایش سطح تحصیل و امکانات بهداشتی در مناطق غیر شهری است تا بتوان «مناطق غیر شهری نوین سوسیالیستی» را بنا کرد. برای بنای «مناطق غیر شهری جدید»، حزب کمونیست چین اهداف مشخصی را، از جمله افزایش نیروهای تولیدی، افزایش سطح زندگی، دست یابی به اصول شیوه ی زندگی مدرن، محیط زیست سالم و تمیز و نهادهای دموکراتیک را برای این مناطق در نظر گرفته است.

برای کاهش فاصله بین شهر و روستا، دولت سهم بودجه ی مرکزی برای بخش کشاورزی و مناطق روستایی و کشاورزان را در چند سال گذشته افزایش داده است. در سال ۲۰۰۵، میزان بودجه ی مرکزی برای کمک به کشاورزی، مناطق روستایی و کشاورزان، به ۲۹۷/۵ میلیارد یوان (۳۶/۷ میلیارد دلار) بالغ شد، که نسبت به سال ۲۰۰۴، ۳۴/۹ میلیارد یوان و نسبت به سال ۲۰۰۲، بیش از ۱۰۰ میلیارد یوان، افزایش داشت. برای کمک هر چه بیشتر به بهبود سطح زندگی کشاورزان و روستا نشینان، امسال تمامی مالیات های بخش کشاورزی در سراسر کشور شامل بخشودگی می شود و کسی مالیات کشاورزی پرداخت نخواهد کرد. مالیاتی که در طول تاریخ چین به طور مستمر در یافت شده بود.

میزان کمک به روستا نشینان از طریق بخشودگی مالیاتی برابر با ۳۳/۶ میلیارد یوان و سایر مخارجی که روستاییان پرداخت می کردند برابر با ۷۰ میلیارد یوان است. ۲۱۸/۲ میلیارد یوان از بودجه دولتی نیز برای بهبود بخش آموزش و پرورش اختصاص می یابد که بر اساس این بودجه، در ۵ سال آینده بیش از ۱۶۰ میلیون کودک روستایی از آن بهره مند خواهند شد.

در جستجوی جایگزینی مردمی و صلح خواهانه

چشم اندازی امیدوار کننده

روزنامه چپ مورنینگ استار، چاپ لندن، اخیراً گزارشی از سفر جرمی کوربین، سیاستمدار چپ و ترقی خواه انگلستان، در نیمه اول اسفندماه جاری، به هندوستان در رابطه با کنفرانس صلحی که در شهر مومبای این کشور، به ابتکار تمرکز بر نیمکره جنوبی، برگزار شد، منتشر کرد. این کنفرانس همزمان با تدارک سفر جورج بوش به هندوستان، پاکستان و افغانستان و با حمایت یکپارچه نیروهای ترقی خواه برگزار گردید. در این گزارش سیاستمدار چپ و ترقی خواه انگلیسی به شرح این ابتکار بین المللی که در طی آن مسائل اقتصادی جهانی سازی، نابودی محیط زیست و نیازهای اجتماعی در شرایط تهدید جنگ مورد بررسی قرار گرفتند، می پردازد. نظر به اهمیت نقطه نظرهای عنوان شده نامه مردم، ترجمه بخش هایی از این گزارش و مشاهدات آقای کوربین را منتشر می کند.

مومبای (بمبئی سابق) شهری است بسیار بزرگ و بی نظم. نمونه کامل شهری با پول های باد آورده که وسائل ارتباط جمعی خیلی مشتاق هستند در باره اش حرف بزنند سراب بالی وود، با ثروت ناپایداریش، نگاه حسرت بار میلیون ها نفر به یک زندگی دست نیافتنی، فاجعه روزمره شهرهای هندوستان از ترافیک خفه کننده و آلودگی هوا تا کوشش سخت صنعتگران برای کمک به صنایع کوچک را به نمایش می گذارد. بیکاری و فقر نشان می دهد که اقتصاد جهانی شده، صنایع بزرگ را از کار انداخته است. همان صنایعی که از شهر مومبای در دوران پس از استقلال هند، نمونه ای به مثابه مرکز تولید ساخته بود. فقر در شهرهای بزرگ هند وحشتناک است. اما اوضاع در روستاها وخیم تر است، زیرا، دهقانان در عین تلاش برای تهیه مایحتاج خود باید با بازار جهانی هم رقابت کنند.

اخبار سرشار از داستان هایی است که تعداد بی شماری از خانواده های شرافتمند به دلیل از دست دادن معاش زندگی مجبور به خودکشی شده اند. روایت های دیگر، حاکی از مبارزه بین دهقانان کوچک و فقیر و شرکت های بزرگ کشاورزی بر سر مدل توسعه تحمیلی از سوی موسسات مالی جهانی است. پیآمدهای سونامی دی ماه سال قبل و اثرات مخرب آن بر شهرهای ساحلی، هنوز در بسیاری از مناطق حس می شود. تقسیم کمک های مالی منصفانه نبوده است. صنایع جذب توریست، فرصت طلبانه، بسیاری از مردم را مجبور کرد تا از ساحل نفل مکان کرده و دور شوند تا راه برای ساختن هتل های بزرگ و شهرک های ساحلی هموار شود. کنفرانس صلح مومبای، ابتکاری است از طرف تمرکز بر نیمکره جنوبی تا مسائل اقتصادی جهانی سازی، تخریب محیط زیست و نیازهای اجتماعی مانند مسکن و درمان تحت تهدید جنگ و صلح در منطقه-ارتباط شوم بین اقتصاد نولیبرالی و جنگ- مورد بررسی قرار گیرند. در کنفرانس که در شب سفر بوش به هندوستان و پاکستان برگزار شد، صدها نفر از فعالان جنوب و جنوب-شرقی آسیا شرکت داشتند.

کنفرانس اعلام کرد که جنگ علیه ترور، در حقیقت، دستورعمل مشکوکی است در جهت پیشبرد منافع نظامی و هسته ای آمریکا. کنفرانس هم چنین تاکید کرد که پیوندهای عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موقعیت خوبی را برای ارائه یک جایگزین در مقابل راه نولیبرالی، نظامی و مالی که دولت های منطقه بطور فزاینده در پی انتخاب آن هستند، بوجود می آورد. فضای کنفرانس، علاوه بر هرج و مرج در عراق و افزایش شدت درگیری در افغانستان، تحت تاثیر خطر جنگ در ایران و جدی تر شدن آن با سفر بوش نیز، قرار داشت.

فشار از سوی آمریکا آن چنان زیاد است که دولت پاکستان در مورد بمباران اشتباهی اخیر دهکده های پاکستان از طرف نیروهای آمریکائی در افغانستان، عکس العمل چندانی نشان نداد. مخالفت با سفر بوش بسیار گسترده است و نیروهای گوناگون بسیاری را گرد هم آورده است. اپوزیسیون هند علیه بوش طیف وسیعی را در برمی گیرد، از جناح چپ مجلس

به رهبری احزاب کمونیست تا آنهایی که از تسلط بی رحمانه اقتصاد بازار رنج می برند، در این اپوزیسیون شرکت دارند. سفر بوش، باعث شد تا سرنوشت کل منطقه به بحث جدی گذاشته شود. ۵۰ سال پیش، در کنفرانس معروف بندانگ، جنبش کشورهای غیر متعهد تشکیل شد. هندوستان، تحت رهبری نهر، محور اصلی این نهضت ترقی خواهانه بود، که بیشتر کشورهای فقیر را به عنوان نیروئی در راه صلح و خلع سلاح متحد ساخت.

خیلی مسخره است که اکنون در دوران پس از جنگ سرد، هزینه های نظامی بالاتر و با فشار آمریکا که خواهان برتری نظامی سنگینی در مقابل چین می باشد، همچنان رو به افزایش است. تمام اینها در منطقه ای است که از فقر شدید رنج می برد و بطور مداوم گفته می شود که تنها راه برون رفت، اجرای سیاست های مکرراً امتحان شده و رد شده ی «بازار آزاد» است. در کنفرانس، سقوط سریع کشور سری لانکا به دامن جنگ، طی دو دهه گذشته نیز مورد بحث قرار گرفت. نمایندگان نپال، نقش آمریکا و انگلستان را در رساندن تسلیحات که تا بحال علیه جنبش های مردمی استفاده شده، به پادشاه نپال که مذبحخانه در پی حفظ قدرت است، شدیداً مورد انتقاد قرار دادند. کنفرانس در خاتمه، بر اتخاذ سیاست هائی نه تحت رهبری بازار آزاد و نولیبرالیسم، بلکه مبتنی بر همیاری در سراسر منطقه برای حل بحران کشاورزی و اختلافات بین دو کشور مانند مساله کشمیر و مشکلات آب رسانی توافق کرد. کنفرانس، در عصر حرکت سریع به طرف از سرگیری تسلیحات هسته ای، خواهان آسیای جنوب شرقی آزاد از سلاح های هسته ای شد. از آنجائیکه هندوستان و پاکستان هر دو دارای سلاح های هسته ای می باشند و منابع عظیمی را صرف تولید آن کرده اند، پیام کنفرانس قدیمی خوش آیند به جلو بود. ملی گرایی در منطقه نیروئی بسیار قوی است که اکثراً سرنوشت ساز هم می باشد. اما، در عوض، کنفرانس از شهروندی و هویت فرهنگی به عنوان آسیای جنوبی ای " که گوناگون، چند فرهنگی و مورد احترام متقابل است یاد می کند. نمی توان با بار سنگین هزینه نظامی رو به رشد، مشکل عدم دسترسی به آموزش برای بسیاری، کمبود آب تمیز و سیستم درمانی کارا را حل کرد. تلاش سازمان تجارت جهانی در راه تجارت آزاد کالاهای غیر کشاورزی، قدرت دولت های ملی را جهت حل این مشکلات از طریق راهبانی غیر از خصوصی سازی و خروج سود چند ملیتی ها به غرب، محدود می سازد. کنفرانس صلح مومبای، کوششی است بسیار جدی برای گرد هم آوری اینگونه مسائل با آگاهی به اینکه نظامی گری و جنگ جوابگوی نیاز مردم نیست.

کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق زنده یاد ایران خانم از کانادا ۵۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom-NO 734
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

16 March 2006

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک